



۱۵

استقبال کاربران از کلاب هاوس کاهش یافت

قصه جوش و دمل های بهاری

۱۴

خاک دهاقانِ طلا است

۱۶

زندگی

سه شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۰ شماره ۵۹۳۵



۱۳ جاذبه

جها دگران دو قلو

تلخی روزهای کرونایی بر کسی پوشیده نیست اما در میان همین روزها هم ماجراهای شیرینی پیدا می‌شود؛ کافی است کمی بیشتر از همیشه به میدان برویم و جست‌وجو کنیم. یکی از این شیرینی‌ها، ماجرای حضور داوطلبانه زهرا و فاطمه قدبیگی، خواهران دوقلویی است که در بخش بیماران مبتلا به کرونا، حضور داشته‌اند. خواهران طلبه دوقلویی که با حضور داوطلبانه در کنار بیماران مبتلا به کرونا، کاری بزرگ آن‌هم در روزهایی قبل از ۲۰ سالگی را تجربه کرده‌اند.

قل کوچک‌تر تعریف می‌کند: «زمانی که می‌خواستم تصمیمم را برای رفتن به بیمارستان‌ها و خدمت به بیماران کرونایی بگیرم و آن را با خانواده‌ام در میان بگذارم، مثل همیشه و قبل از هر کسی، نیت در قلمم را به فاطمه، خواهر دوقلویم گفتم و او هم مثل همیشه همراهم بود. بعد از این‌که حرف‌هایم را شنید، اولین چیزی که گفت این بود که من هم می‌آیم؛ ولی من اصلاً راضی به آمدنش نبودم.» با این‌که او همیشه دوست داشت همه‌جا با خواهرش باشد اما این بار شرایط عادی نبود؛ نه در بیمارستان‌ها و نه در زندگی خواهرش. خواهری که به‌تازگی نامزد کرده بود و موقعیتش با قبل تفاوت داشت. برای همین دلش نمی‌خواست با این تصمیمی که گرفته، خواهرش را دچار دردسر کند. خواهر چند دقیقه کوچک‌تر، به قل بزرگ‌ترش توضیح می‌دهد خطرناک است، معلوم نیست شرایط بیمارستان چطوری باشد و ممکن است به بیماری مبتلا شود.



اما خواهر بزرگ‌تر زیر بار نمی‌رود که نمی‌رود؛ «چه فرقی می‌کند؟ اگر قرار به آلوده شدن باشه، خب تو هم بری، ممکنه آلودگی رو با خودت بیاری خونه و به ما منتقل کنی.» نهایتاً بین خودشان قرار می‌گذارند روز اول زهرا برود و شرایط را ببیند و بسنجد و اگر اوضاع مناسب بود، فاطمه هم همراهش برود؛ و بالاخره این اتفاق افتاد و دوتایی باهم راهی بیمارستان‌ها شدند؛ «وارد هر اتاقی می‌شدیم، قبل از این‌که چیزی بگویم، بیماران با هیچان می‌گفتند اوای، شما دوقلویید؟ چقدر شبیه هم هستید و من و فاطمه باتعجب می‌گفتمیم آخه با این ماسک و کلاه، چطور شباهت مون رو تشخیص می‌دید؟ آنهایی می‌گفتند چشم و ابروی ما داد می‌زند کبیه همدیگه هستیم.» اما حالا که روزهای زیادی از شیوع ویروس کرونا می‌گذرد، این‌طور که اعضای کادر درمان بیمارستان می‌گویند، روزهای حضور این دوقلوهای جهادی در بخش کرونا و با یاری خدا، آن‌قدری تأثیرگذار بود که توانست فضای غم و ناامیدی اولین روزهای شیوع ویروس و ترس و واهمه بیماران را بشکند. آن‌قدر که وقتی یک روز به دلایلی به بیمارستان نمی‌رفتند، بیماران از دیگر پرستاران شواغ را بگریزند و پرسند که دوقلوها کجا هستند؟

محل از داینا سوسور (تیرانوسوروس رکس) در موزه تاریخ طبیعی شیکاگو



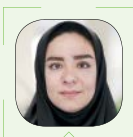
تخمینی از کل جمعیت داینا سوسور (تیرانوسوروس رکس) نکات جالبی از حیات آنها را بر ملا کرده است

سرنخ تازه‌ای از تعداد داینا سوسور تی رکس

در آستانه روز دوقلو و چندقلوها، روایت تعدادی از آنها که به کرونا مبتلا شده‌اند، شنیدنی است

یک قل تب، یک قل درد

غمخوار خواهر و برادر بودن، احساسی نیست که محدود به جنسیت و فرهنگ یا حتی سن و سال شود اما انگار این احساس در وجود دوقلوها بیشتر است. دوقلوهایی که نه تنها از اولین روزهای تولد که حتی دوران پیش از تولد را هم در کنار هم گذرانده‌اند و شاید حق دارند که از احساسات مشترک عجیب بین خودشان طوری تعریف کنند که ما تک‌قل‌ها چیزی از آن سر در نیاوریم؛ احساسات مشترکی که به قول خودشان باید قل نفر دیگری باشید تا بفهمید ما چه می‌گوییم. همین تعبیر و توصیف آنها از حس و حال مشترکشان بود که ما را به این فکر انداخت تا در آستانه ۲۲/۲۲ روز دوقلوها و چند قلوها - که ایده و پیشنهاد خلاقانه انجمن دوقلوهای ایران و موسسانش یعنی برادران خاصه تراش است - سراغ دوقلوهایی برویم که در این روزهای کرونا زده، جواب آزمایش کرونا نشان مثبت شده بود و نتیجه چیزی جز آن‌که ما فکر می‌کردیم، نبود. این‌که آنها مشکلی افزون بر دمای بالای بدنشان و ضعف و بی‌حالی و سرفه‌های مداوم و پشت سر هم داشتند؛ آن‌هم غصه درد کشیدن قل دیگرشان بوده است.



نگس خانعلی‌زاده

جامعه

راستش به هر چیزی فکر می‌کردم جز کرونا. «او چند ساعتی صبر می‌کند تا حالش بهتر و راهی محل کارش شود ولی با هیچ دمنوش و آب گرمی گلویش صاف نمی‌شود، «با این حال، تلفن را برداشتم و به حمید زنگ زدم تا قرارهای کاری‌مان را با هم چک کنیم.» و پیش از سلام، اولین چیزی که پشت تلفن از صدای برادرش به این طرف خط می‌رسد، سرفه‌های او بوده است؛ «سرفه‌های هردوی ما درست از صبح آن روز شروع شده بود و فهمیدیم مثل همه بیماری‌های‌مان، این‌بار هم همزمان مبتلا شده‌ایم.» مثلاً ممکن است خیلی از آدم‌ها از همدیگر کرونا بگیرند اما تا این اندازه همزمان و علائمی آن قدر شبیه هم، انگار فقط برای دوقلوها است. حمید نوید تعریف می‌کند تست مان مثبت شد. علاوه بر سرفه، بی‌حال شدیم و بدن درد گرفتیم و هر کدام در خانه‌ای جداگانه قرنطینه شدیم. اما ماجرا آنجا سخت شد که در هفته دوم، حمید نفس تنگی گرفت، اکسیژن خونش پایین آمد و در اوج روزهای پیک چهارم، خودش را به بیمارستان‌های شلوغ رساند و بستری شد؛ «حال خودم اصلاً خوب نبود. به سختی نفس می‌کشیدم اما بغض هم راه گلویم را بسته بود. نگران حمید بودم که نکند او هم نیاز به بستری شدن داشته باشد و من نتوانم کنارش باشم.» می‌گوید ترس و غم‌هایش در برابر بود. با هر علائمی که در خودش می‌دید، فکرش به سمت قل دیگری می‌رفت و هر بار که می‌خواید با تشویش و نگرانی از بی‌خبری چند ساعته از برادرش بیدار می‌شد؛ «روزهای خیلی سختی را گذرانیدیم. هر روز به این فکر می‌کردیم که کاش زمانی که کنار هم بودیم ماسک می‌زدیم؛ کاش من گرفته بودم ولی حمید نه.» فکری که حمید هم به همین

۴۰ سال شایهت

برادران دوقلوی نوید، امروز و در آستانه ۴۰ سالگی هم مثل هم لباس می‌پوشند، مثل هم حرف می‌زنند، شغلی تقریباً مشترک دارند و تقریباً جایی نیست که کسی آنها را بدون حضور قل دیگر دیده باشد. حمید نوید می‌گوید: «ما باهم درس خواندیم، باهم کنکور دادیم، باهم انتخاب رشته کردیم و در نهایت در یک رشته و یک دانشگاه قبول شدیم.» حتی محل خدمت سربازی‌شان هم مشترک بود و به قول خیلی از دوستان و اطرافیان‌شان، بالا رفتن سن و اضافه شدن دغدغه‌های جدید به زندگی‌شان هم راه آنها را از هم جدا نکرد؛ «باید دوقلو باشید تا متوجه این وابستگی بشوید.» وابستگی زیادی که در روزهایی که هر دو برادر مبتلا به ویروس کرونا شدند هم باعث شد تا این بیماری از حالت معمول، برایشان سخت‌تر شود. آن‌قدر که نگرانی از سرنوشت این ویروس لعنتی که پیر و جوان نمی‌شناسد بشود درد و برود و اضافه شود بر باقی دردهای جسم‌شان؛ درد این‌که برادر هم حالش خوب است؟

می‌گویند اصول بهداشتی را رعایت می‌کردند اما زمانی که به تنهایی در کنار هم بودند همه‌چیز برایشان مثل روز معمولی و بدون کرونا بود؛ «خب ما صبح تا شب کنار هم بودیم و فکر می‌کردیم سالم هستیم. برای همین مثلاً زمانی که در خودرو کنار هم بودیم، ماسک‌های‌مان را از صورت‌مان برمی‌داشتیم.» و همین بالاخره کار دستشان داد و چند روزی از تعطیلات نوروز نگذشته بود که سرفه‌های حمید شروع می‌شود؛ «از خواب که بیدار شدم، سرفه‌های مداوم و پشت سر هم کلافه‌ام کرده بود.

ایمان و احسان خاصه تراش، بنیانگذاران انجمن دوقلوها



ای کاش‌ها اما برعکس‌اش فکر می‌کرده است که کاش حمید حالش خوب بود و من فقط غم و سختی بیماری خودم را در بوش می‌کشیدم. حالا آن روزهای سخت را پشت سر گذاشته‌اند و تازه‌ترین آزمایش ویروس کووید-۱۹ منفی شده است و به قول خودشان، هردویشان تا چند ماهی واکسینه هستند؛ «خوبی‌اش این است که اگر آن روزها از فکر و غصه همدیگر شب و روز نداشتیم اما حالا خیال‌مان راحت است که هردو ایمان گرفته‌ایم و دیگر نگرانی بابت ابتلای دیگری نداریم؛ هرچه بود، تمام شد و رفت.» اما انگار این حال مشترک در روزهای خوش و ناخوشی‌شان همچنان ادامه دارد.

۳ به فاصله

خانواده علیزاده، بدشانسی آورده‌اند؛ آنها در تمام این یک سال و چند ماه همه‌گیری کرونا، جزو خانواده‌هایی بوده‌اند که دور همه‌همانی‌ها را خط کشیده و مدت‌هاست پایشان را از تهران بیرون نگذاشته‌اند. تنها راه ورود ویروس به خانه، رفت و آمد قل کوچک‌تر به محل کارش بوده است که همین هم می‌شود و بالاخره همه را گرفتار می‌کند. فرناز علیزاده، قل چند دقیقه بزرگ‌تر از روزی می‌گوید که الناز از سر کار برگشت. حالش خیلی خوش نبود و خودش را در اتاقش قرنطینه کرد؛ «و دقیقاً سه روز بعد از اولین ناخوش‌احوالی الناز، علائم من هم شروع شد. فرناز از تمام بیماری‌های دوره نوجوانی و جوانی‌شان می‌گوید که با خواهر دوقلوش در مشترک داشته‌اند، «مثلاً به خاطر ندارم که یکی از ما سرما بخورد و دیگری حالش خوب باشد.» اما انگار این ماجرا آن قدر عمیق است که محدود به همین سرماخوردگی‌های و اگر دارد نمی‌شود؛ «مثلاً یادم هست که ۱۰ سال پیش، من کم‌رم را به دلیل دیسک کمر عمل کردم؛ روز عمل من، الناز هم کم‌ردردی گرفته بود که تا آن روز تجربه‌اش را نداشت.» النازی که هیچ‌وقت کم‌رش برایش مشکل ساز نشده بود و واقعاً عجیب بود که روز عمل



info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۲۶۱۴۲

دلار - خودرو

عظیمی از تهران:

قیمت دلار این روزها سیر نزولی را در پیش گرفته ولی قیمت خودرو و لوازم خانگی هیچ تغییری نکرده است و بعضی قیمت‌ها هم رو به افزایش است.

سهامدار - زبان

محمدزاده از رشت:

دولت باید ضرر و زیان سهامدارانی را که صندوق پالایشی یکم را خریداری کرده‌اند جبران کند تا اعتماد مردم به بورس برگردد.

چاله - عمیق

اندیشه از تهران:

در محله دلاوران و بلوار اردیبهشت، ابتدای ورودی خیابان‌ها، چاله‌های عمیقی وجود دارد که عبور از روی آن حتی با داشتن سرعتی معمولی، باز هم به آسیب رسیدن به خودرو منجر می‌شود. از شهرداری تقاضا دارم فکری برای این فرورفتگی‌های عمیق بکند.

ممنوعیت - سفر

فرزانه‌ای از رشت:

وقت و بی‌وقت ممنوعیت سفر و ترددهای بین شهری اعلام می‌شود ولی با گذشت بیشتر از یک سال از همه‌گیری کرونا، هنوز هم به‌طور صدردصد کسی نمی‌داند که آیا واقعا این ممنوعیت اجرایی می‌شود یا جریمه به صورت سلیقه‌ای اعمال می‌شود؟ ای کاش یک تصمیم‌گیری قاطع در این باره وجود داشت تا همه تکلیف خودشان را بدانند.

جوابیه

در پی درج پیمای در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ با عنوان «غریبالگری . مترو» مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل شرکت بهره‌برداری متروی تهران و حومه با ارسال نمایی اعلام کرد: این شرکت پس از شیوع ویروس کرونا در اسفند سال ۹۸ در راستای مسؤلیت اجتماعی خود، اقدامات ویژه‌ای را برای افزایش سطح بهداشت و رفاه و رضایت مسافران انجام داده که مهم‌ترین آنها پس از اقدامات اجرایی در خطوط هفتگانه، برپایی غرفه‌های عرضه ماسک و مواد ضد عفونی و همچنین طرح غربالگری و تست رایگان در هشت ایستگاه متروی تهران و کرج بوده است. این شرکت برای فراهم آوردن بستر مناسب پایگاه‌ها با دانشگاه علوم پزشکی و شرکت شهر سالم-شهرداری تهران مشارکت داشته‌ود در صورت تأمین کیت‌های بیشتر تست کرونا توسط آنها، این امکان را دارد تا مجدداً در ایستگاه‌های اعلام شده و به‌خصوص ایستگاه‌های پرتردد نسبت به برپایی غرفه‌های غربالگری و تست رایگان کرونا اقدام کند.